

آرزومندم

آرزومندم ترا بار دگر جانان ببینم

مست و مفتون

شاد و خندان

در کنا رسبزه های رنگ رنگ نو بهاری

کز سحر گه

خورده باران

با تو بنشینم بزیر سایه های بید مجنون

بوی گلها

سازدم مست

بی خبر باشم ز غم ها، دردها، و ز عمر رفته

کس به غفلت

دادم از دست

آتش عشق جوانم مشتخاکتر نگرود

شعله باشد

گرم و روشن

آرزوهای جوانی هیچگه پسر پسر نگرود

گل بر آرد

در دل من

آرزومندم شود دنیای ما با غشکوفان

پسر ز نیکی

غرق شادی

بردل مردم بقا بد نمود عشق و نیک بختی

کس نبیند

نامردای

در چنان دنیای ~~بسیار~~ ~~بسیار~~ ~~بسیار~~ ~~بسیار~~ ~~بسیار~~

در میان

نیک بختان

آرزومندم ترا بار دگر جانان ببینم

مست و مفتون

شاد و خندان